

در شماره قبل، گزارش گفت‌وگو با چهار دختر نوجوان را برای تان نوشتیم. شرح گفت‌وگوی ما ناتمام ماند. نشست که تمام شد، تازه فهمیدم به اندازه آب دریاچه پشت سد امیر کبیر حرف ناگفته باقی مانده است. گفتیم سد. بله، بسیاری از حرف‌ها و درد دل‌های شما نوجوان‌ها همیشه پشت سد می‌ماند و ما در این صفحه‌ها سعی داریم دریچه کوچکی باز کنیم تا مقداری از این حرف‌های ناگفته و درد دل‌ها بیرون بیایند تا ببینیم چه طور می‌توانیم در مانشان کنیم.



کارشناس: علیرضا متولی

گشتی شطرنجی

حل مسائل بدون درگیری

ارتباط یعنی، روبه‌رو شدن با کسانی که شخصیت آن‌ها با ما فرق دارد. مثل شطرنج که در آن هر مهره‌ای ویژگی، قدرت و حدود حرکتی مخصوص به خود دارد. البته این فقط یک مثال است و زندگی واقعی با شطرنج تفاوت زیادی دارد. فهمیدن این موضوع، کلید حل بسیاری از مسائل بین آدم‌هاست. نباید توقع داشته باشیم علاقه‌مندی‌های دوستان درست مثل ما باشد. ممکن است تو از تماشای فیلم لذت ببری و دوستت از خواندن کتاب لذت بیشتری ببرد. ممکن است کسی از شنا لذت ببرد و دیگری از کوه‌نوردی. به دلیل همین تفاوت‌ها و نیاز به ارتباط با همدیگر، همیشه مشکلاتی به وجود می‌آید. گاهی احساس می‌کنید، در ارتباطتان با یک دوست در حال تهدید شدن یا کیش شدن هستید.

کشتی یا شطرنج؟

بیشتر آدم‌ها مسائلشان را به صحنه کشتی می‌آورند و به جای حل مسئله شروع به درگیری با هم می‌کنند. قهر می‌کنند. پشت سر هم حرف می‌زنند. بعد از مدتی هم دلشان برای همدیگر تنگ می‌شود و قدرت بازگشت

یک درد مشترک اکثر نوجوان‌ها، مشکل ارتباط با اطرافیان است. بسیاری از تهدیدهای زندگی آن‌ها یا همان کیش شدن‌ها- که در شماره قبل توضیح دادیم- مربوط می‌شود به درگیری‌هایی که با دیگران دارند. می‌دانید که آدم‌ها با هم فرق دارند و هر کسی ویژگی‌ها و توانایی‌های مخصوص به خود دارد. اخلاق و رفتار هر فرد بستگی به شخصیت او دارد. از طرفی شخصیت هر کس به عوامل مهمی بستگی دارد؛ مثل وراثت، محیط، وضعیت اقتصادی و فرهنگی که در آن بزرگ شده است. حتی فرزند چند خانواده بودن، دختر یا پسر بودن و اتفاقات مهم زندگی هر کس در شکل‌گیری شخصیت او تاثیر دارد.

در بیاورد ناراحتم. همیشه کمدم را بازرسی می‌کند. دفتر خاطراتم را پنهانی می‌خواند.»

یکی دیگر می‌گوید: «من از این موضوع ناراحتم که پدر و مادرم با من کاری ندارند. انگار نه انگار که من وجود دارم. آرزو به دلم مانده است که یک بار ازم بپرسند. چه می‌کنی؟ با کی دوستی؟ با کی دشمنی؟»

- پدر و مادرم بین من و برادرم فرق می‌گذارند. برادرم حق دارد هر کاری بکند اما من ندارم.

- خودم نمی‌توانم لباس مورد علاقه‌ام را بخرم. باید چیزی را بپوشم که مادرم دوست دارد..

- هر وقت با دوستانم تلفنی حرف می‌زنم دعوایم می‌کنند.

- پدرم زیادی محبت می‌کند. از دست محبت‌های زیاد از حد پدرم خسته شده‌ام.

و چند نمونه هم از درگیری‌های نوجوانان با دوستانشان:

- دوست من دوست تازه‌ای پیدا کرده و دیگر با من مثل سابق نیست

- دوستم از من پول، لباس، کتاب و... قرض گرفته ولی بر نمی‌گرداند.

- یکی از هم‌کلاسی‌ها خیلی اذیتم می‌کند. نمی‌دانم چه کار کنم.

- دوست من اصلاً زیر بار حرف حق نمی‌رود و نظر کسی را قبول ندارد.

- دوست من کار بدی انجام می‌دهد. چند بار نصیحتش کرده‌ام اما گوش نمی‌دهد.

- دوست من رازی را که به او گفته بودم به چند نفر گفته است.

این‌ها نمونه‌هایی از درگیری‌های بین نوجوانان و اطرافیان آنهاست. نمی‌دانند چه‌طور با این مسائل کنار بیایند. می‌پرسید چگونه این‌ها را به صحنه شطرنج بیاوریم؟ چگونه با این‌طور مسائل کنار بیاییم؟

در شماره بعد برایتان توضیح می‌دهم که

چگونه وارد بازی شوید. اگر راه‌های

بازی درست با مسائل زندگی

را یاد بگیرید، کمتر کیش

می‌شوید و اصلاً مات

نمی‌شوید.

تا شماره بعد.....

به دوستی دوباره را ندارند. این مسائل ممکن است بین خواهر و برادرها و والدین هم پیش بیاید.

می‌توانیم بگوییم بسیاری از نوجوان‌ها در حال کشتی گرفتن با اطرافیان خود هستند. نتیجه این کشتی گرفتن‌ها گاهی مساوی است. گاهی هم یکی از طرفین برنده می‌شود. اما بهترین شکل آن است که هر دو طرف احساس برنده بودن کنند. احساس شکست یکی از طرفین باعث می‌شود دوباره مسائل تازه‌ای شروع شود. وقتی وارد درگیری با اطرافیان خود می‌شوید، در واقع وارد تشک کشتی می‌شوید و

شروع می‌کنید به زیر

یک‌خم‌همدیگر

را گرفتن.



قوانین بازی

اما راه مبارزه برای کسب پیروزی در زندگی، کشتی گرفتن نیست.

کشتی گرفتن نفس شما را می‌گیرد. خسته‌تان می‌کند. بهتر است

درگیری‌های زندگی‌تان را از روی تشک کشتی به صحنه شطرنج

بیاورید و با فکر حل کنید. اصول و قواعد بازی زندگی را یاد بگیرید.

همان‌طور که شطرنج قانون دارد، بازی زندگی هم قانون دارد. به

تعدادی از قانون‌های زندگی در شماره قبل اشاره کردم.

مثل مهره‌های شطرنج، شما هم باید حدود حرکت خود را بشناسید.

البته قصد نداریم برای شما حد و حدود تعیین کنیم؛ قصدمان این

است که بگوییم چگونه بدون شکست دادن دیگران بازی را ببریم.

چگونه بازی کنیم که همه احساس شیرین برد داشته باشند.

به نمونه‌هایی از درگیری‌های خانگی دقت کنید:

- بزرگ‌ترین مشکل من در خانواده مقایسه کردن است. مادرم

می‌گوید: «دختر عموتو می‌بینی، باباش یه کارگر ساده است. اما تو

همه چی داری! معدل تو شده ۱۸، معدل دختر عموت شده ۱۹.»

یکی از دخترها که دوست ندارد اسمش را ببرم می‌گوید: «من از

این که مادرم سعی می‌کند از دنیای خصوصی من سر